

مرور یک گفتوگو | چرا توسعه فاز ۱۱ از همان ابتدا به پتروپارس سپرده نشد؟!



چرا توسعه فاز ۱۱ از همان ابتدا به شرکت‌های ایرانی واگذار نشد؟ پرسشی که این روزها، زیاد مطرح می‌شود و از قضا، محمد مشکین‌فام، مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس چندی پیش در گفتوگوی تفضیلی با شانا به آن پاسخ داده است. با هم آن را مرور می‌کنیم. این گفتوگو ۹ شهریورماه امسال منتشر شده است.

مذاکره با شرکت چینی (CNPCI) برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی در چه مرحله‌ای است؟

مذاکره و مکاتبه با این شرکت طبق مفاد قرارداد در حال انجام است. تلاش شرکت ملی نفت ایران و شرکت چینی (CNPCI) این است تا از شرایط قرارداد عدول نشود. ان‌شاءالله به‌زودی تکلیف این فاز و نحوه اجرای آن مشخص می‌شود. با توجه به اینکه مذاکرات هنوز نهایی نشده است، از ارائه اطلاعات بیشتر معذورم.

آیا شرکت پتروپارس در صورت کناره‌گیری رسمی CNPCI از این پروژه، به لحاظ فنی و مالی (۴.۸ میلیارد دلار) توانایی توسعه این پروژه را دارد؟

بله. شرکت پتروپارس با توجه به اینکه از ابتدا در پروژه توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی حضور داشته و در جریان همه فعالیت‌هاست، گزینه مطلوب برای طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی است و آمادگی دارد هر چه زودتر توسعه این فاز را آغاز کند. اگر شرکت دیگری وارد توسعه این فاز شود، زمان‌بر خواهد بود و باید با شرکت جدید وارد بحث‌های قراردادی شد. پتروپارس هم‌اکنون این مراحل را طی کرده و آماده عملیات اجرایی است. در زمینه تامین مالی هم باید بگویم در گام نخست، تامین کامل مبلغ قرارداد، نیاز نیست و با مبلغ کمتر می‌توان کار را آغاز کرد. برای نمونه، هم‌اکنون بودجه کافی برای بخش حفاری در دسترس است و شرکت پتروپارس می‌تواند عملیات حفاری را آغاز کند، تنها باید بحث‌های قراردادی با شرکت پتروپارس حل‌وفصل شود.

آقای مهندس، شما قاطع اعلام کردید پتروپارس می‌تواند طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی را هر چه سریع‌تر آغاز کند، حال این پرسش پیش می‌آید چرا توسعه این فاز از همان ابتدا و پیش از امضای قرارداد با توتال و CNPCI در سال ۹۶ به این شرکت سپرده نشد؟

جواب پرسش شما ساده است. موقعیت جغرافیایی فاز ۱۱ با توجه به مرزی بودن این فاز و برداشت همزمان ایران و قطر، در معرض افت تولید قرار دارد. پیش‌بینی ما این بود یک سال تا یک سال و نیم پس از تولید (که اکنون یک سال هم کمتر شده است) این بلوک با افت فشار روبه‌رو شود، بنابراین برنامه‌ریزی شده بود در این دو بلوک، برخلاف دیگر فازهای پارس جنوبی از ابتدا، سکوی فشارافزا نصب شود. پتروپارس تجربه ساخت کمپرسور تقویت فشار ندارد، از این رو تصمیم گرفته شد از تجربه بین‌المللی و دانش فنی توتال برای ساخت و نصب سکوی فشارافزا استفاده شود تا افزون بر استفاده از کمپرسورها در این بلوک، برای دیگر فازهای پارس جنوبی نیز از آن الگوبرداری شود. یعنی در عمل می‌خواستیم با یک تیر دو نشان بزنیم.

باز هم تاکید می‌شود، برداشت گاز از مخزن مشترک پارس جنوبی سالانه در حال افت است و باید به فکر نگهداشت تولید در دیگر بلوک‌ها بود. تاکنون به‌طور سنتی از بلوک‌ها برداشت و انتظار زیادی برای کشور ایجاد شده است. اکنون ۸۰ درصد تولید گاز کشور از میدان مشترک پارس جنوبی تامین می‌شود. باید بدانیم این ۸۰ درصد تا ابدالدهر باقی نمی‌ماند، همچنان که در برداشت گاز از میدان مشترک پارس جنوبی به قله رسیدیم، شاهد افت سالانه تولید این میدان نیز خواهیم بود. در نتیجه باید به فکر نگهداشت تولید بود. این تدبیر را وزارت نفت در امضای قرارداد فاز ۱۱ نشان داد.

اما نکته آخر که لازم است در پاسخ به این سوال بگویم اینکه، حجم سکوهایی که در حال حاضر در پارس جنوبی نصب می‌شود ۲۵۰۰ تن است، در حالی که حجم سکوی فشارافزا ۲۰ هزار تن می‌شود. یعنی هشت برابر سکوهایی است که در پارس جنوبی نصب می‌شود. اکنون زیرساخت‌های لازم برای ساخت این سکوها در یاردهای تاسیساتی داخل کشور مانند صدرا، تاسیسات دریایی، ایزوایکو، صف و ... وجود ندارد. آنها تاکنون سکویی با این حجم نداشته‌اند، در نتیجه تلاش ما این بود با استفاده از دانش فنی توتال، ساخت این سکو را تجربه کنیم و بر این موضوع که سکوی فشارافزا باید در داخل کشور ساخته شود نیز تاکید شده بود. قرارداد نیز به‌گونه‌ای تنظیم شد که توتال این کار را در ایران انجام دهد تا دانش فنی آن به داخل کشور منتقل شود. توتال نیز

برنامه خود را برای تقویت زیرساخت‌ها در یاردهای تاسیسات و صدرا ارائه کرده بود. انتظار ما این بود در کنار ساخت سکوی فشارافزای فاز ۱۱، یارد تاسیسات دریایی و صدرا را ارتقا (Upgrade) دهیم و شرایطی فراهم کنیم تا بتوانیم سکوی فشارافزای گاز دیگر فازهای پارس جنوبی را خودمان بسازیم که متأسفانه با توجه به شرایطی که بهتر میدانید، این اتفاق نیفتاده است.

از سال ۹۶ تا ۹۸ چه اتفاقی افتاده که فکر می‌کنید پتروپارس می‌تواند این پروژه را اجرا کند؟

پتروپارس قرار نیست سکوی فشارافزا بسازد. این شرکت طرح توسعه فاز ۱۱ را همانند دیگر پروژه‌هایی که تاکنون اجرا کرده، انجام می‌دهد و گاز را به خشکی منتقل می‌کند. تکلیف افت فشار و ساخت سکوی فشارافزا بعداً مشخص شود.

برنامه شما برای سکوی فشارافزا چیست؟

برای ساخت سکوی فشارافزا هم‌اکنون یک طراحی بنیادی در دست است که یک شرکت فرانسوی قبل از بازگشت تحریم‌ها آن را انجام داد. انتظار داریم با این برنامه بتوان طراحی پایه را با یک شرکت داخلی (که البته خیلی سخت است) یا یک شرکت خارجی دنبال کرد تا یک الگو برای کل فازهای پارس جنوبی پیاده شود.

بر اساس این طرح، چه کارهایی قرار است انجام شود؟

گزینه‌های مختلفی پیش‌بینی شده است. از جمله، برای هر سکوی پارس جنوبی، یک سکوی تقویت فشار مختص همان سکو نصب شود که البته با توجه به اینکه ۳۸ سکوی سرچاهی داریم، هزینه بالایی می‌طلبد. گزینه دیگر که پیشنهاد ما (نفت و گاز پارس) به مشاوران این طرح بود و مورد تایید نیز قرار گرفت اینکه، مجتمع‌های سکوهای تقویت فشار در جایی از میدان که خطوط لوله خارج و نزدیک هم می‌شود، نصب و در عمل تقویت فشار یک مجموعه از سکوها در یک نقطه متمرکز شود. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود سه مجتمع تقویت فشار در دریا داشته باشیم، یعنی هر هاب مربوط به ۱۰ تا ۱۲ سکو می‌شود.

برآورد شما از هزینه اجرای این طرح چقدر است؟

پیش‌بینی ما قریب به ۲۰ میلیارد دلار است.

آیا شرکت‌های داخلی توانایی اجرای این طرح را دارند؟

نه تنها در ایران بلکه در خاورمیانه نیز فناوری ساخت سکوی فشارافزا وجود ندارد. بر اساس بررسی‌هایی که پیش از امضای قرارداد با توتال برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی انجام شد، تنها سه سکوی تقویت فشار در دنیا ساخته شده که یکی از آنها از سوی توتال احداث شده است

توتال از زمان امضای قرارداد (۹۶) تا خروج از این طرح (۹۷) چه کارهای اجرایی برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی انجام داده است؟

مطالعات بنیادی، مطالعات تقویت فشار و به موازات آن مناقصه انتخاب پیمانکار برای بخش جکت، حفاری و خط لوله‌ها برگزار و پیمانکار آن مشخص شد و در شرف ابلاغ کار به پیمانکاران بود که متأسفانه به سد تحریم برخورد کرد.

چقدر هزینه کرده است؟

در مجموع ۱۰۰ میلیون دلار هزینه کرده است.

سکوی فشارافزا چقدر از افت تولید جلوگیری می‌کنند؟

اجازه دهید در این زمینه مثالی برایتان بزنم. فشار سرچاهی برای اینکه یک میلیارد فوت‌مکعب گاز به خشکی منتقل شود به‌صورت متعارف ۱۲۰ بار است، حالا اگر این ۱۲۰ بار به ۱۰۰ بار کاهش یابد به‌راحتی نمی‌توان یک میلیارد فوت‌مکعب گاز به خشکی منتقل کرد و اگر این بار به ۹۰ برسد تنها می‌توان ۷۰۰ میلیون فوت‌مکعب گاز را به خشکی منتقل کرد، به همین صورت افت تولید خواهیم داشت، یعنی به مرور زمان که فشار سرچاهی افت می‌کند تولید، متناسب با آن کاهش می‌یابد. اینجا نقش سکوی فشارافزا مشخص می‌شود. با نصب این سکوها جلوی افت تولید گرفته خواهد شد. در نبود این سکوها فعلاً باید افت فشار و تولید را که به تدریج اتفاق می‌افتد، تحمل کرد.

آیا هم‌اکنون کمپرسوری داریم که جلوی افت تولید را بگیرد؟

هم‌اکنون تعدادی کمپرسور در داخل کشور وجود دارد که مختص گاز سبک و شیرین است، اما برای گاز دریا که دارای مشکلاتی همانند ترش بودن و رطوبت است، کمپرسوری وجود ندارد. اگر شرکت‌هایی مانند مپنا و شرکت توربوکمپرسور نفت (OTC) بتوانند کمپرسوری متناسب با این مشکلات بسازند، کمک‌کننده خواهد بود. البته محدودیت فضا مشکل دیگر کار در دریاست، بنابراین در ساخت کمپرسور باید به مولفه‌های حجم و

وزن توجه جدی شود تا قابلیت نصب در پلتفرم موردنظر را داشته باشد.

توضیح ۱: در این گفتوگو، مشکین فام در پاسخ به این پرسش که آیا برای آغاز اجرای کار در فاز ۱۱ پارس جنوبی با توجه به اینکه پیش از ترک توتال اسناد مناقصه برای برخی از بخشها آماده شده بود، باید منتظر چینیها ماند؟ پاسخ داد: «صحبت من این است که نباید کاری کنیم که چینیها ادعای خسارت (claim) کنند و بگویند بدون اجازه ما وارد توسعه میدان شدند. بنابراین باید تمام موازین قرارداد را رعایت کنیم. هرچند ما هم اکنون آمادگی کافی برای آغاز هر چه سریعتر کار را داریم.» این پاسخ در آن مقطع به این دلیل که مذاکرات با سی ان پی سی در جریان بود، منتشر نشد.

توضیح ۲: بیژن زنگنه، وزیر نفت اخیرا و پس از بازدید از شرکت مهندسی و توربین مپنا (توگا) به همین پرسش پاسخ گفت: خواستیم برای طرح توسعه این فاز سرمایه خارجی جذب کنیم، ضمن اینکه سکوی فشارافزایی نیز برای ما مهم بوده است و پتروپارس قرار بود در کنار این شرکتها کار یاد بگیرد.

توضیح ۳: برای طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی بر اساس آنچه در قرارداد آمده به ۴ میلیارد و ۸۷۹ میلیون دلار سرمایه نیاز است. قرار بود بیش از ۸۰ درصد این مبلغ از سوی توتال و سان‌پی‌سی‌آی چین تامین شود، حالا اما باید این مبلغ از صندوق توسعه ملی تامین شود؛ مبلغی که میتواند دوازده بخشهای دیگر اقتصاد باشد.